

در شناسایی مستعدان حوزه علمی انسانی کمتر کار شده است. امسال به دستور آقای رئیس جمهور شیوه‌نامه‌ها را متنوع کردیم و بزودی شیوه‌نامه‌های شناسایی و حمایت از نخبگان علوم انسانی را تصویب و ابلاغ می‌کنیم. قبلاً این شیوه‌نامه‌ها ناظر به بخش فنی و مهندسی بود و سعی کردیم در دوره جدید تنوع حوزه‌های علمی را در نظر بگیریم.

شما در صحبت‌های خود اشاره کردید که رهبر انقلاب هم تأکید بسیاری بر رشد حوزه علوم انسانی دارد و یکی از مطالبات رهبر انقلاب در طول دو دهه اخیر هم مسأله تقویت علوم انسانی در کشور و معطوف کردن این حوزه علمی به حل مسائل کشور بوده است. بنیاد ملی نخبگان برای حمایت از نخبگان حوزه علوم انسانی که در نهایت منجر به تقویت این حوزه علمی در کشور شود چه برنامه‌ها و راهبردهایی دارد و چه نقشی اصولاً می‌تواند ایفا کند؟

یکی از استراتژی‌های بنیاد ملی نخبگان در یک سال اخیر را توسعه مفهوم نخبه در حوزه علوم انسانی و تقویت نخبگان علوم انسانی قرار دادیم. در این راستا چند برنامه داریم. یکی از برنامه‌ها ایجاد انگیزه برای بچه‌های دانشجو یا المپیادی و رتبه‌های یک تا ۲۰۰ کنکور در حوزه‌های علوم پایه و علوم انسانی است که به پیشرفت در این مسیر ادامه دهند. اکنون به دلیل نبود آینده شغلی مناسب، خیلی از بچه‌های ما که جزو دانشجویان و یا افتخارآفرینان المپیادی ما هستند و یا در حوزه‌های علوم پایه کار می‌کنند، در انتخاب‌های خود در دانشگاه به سمت رشته‌هایی می‌روند که وضعیت شغلی مناسبی دارند. مثلاً فردی در حوزه جامعه‌شناسی فعالیت می‌کند که باید تلاش کنیم او رشته مبنایی خود را ادامه دهد و در رشته‌های فلسفه، جامعه‌شناسی یا از این قبیل موارد ادامه تحصیل دهد و سراغ رشته‌های فنی و مهندسی نرود یا در حوزه‌های علوم پایه مانند رشته فیزیک و ریاضیات فعالیت کند. اگر فردی برگزیده المپیاد یا رتبه‌های یک تا ۲۰۰ کنکور باشد، باید او را تا زمان اخذ مدرک دکتری حمایت کنیم و اگر پویایی علمی این افراد حفظ شد بتوانند بدون اینکه کنکور بدهند، وارد مقطع کارشناسی ارشد و دکتری شوند. همچنین برای توانمندسازی افراد مستعد در این مدت کمک هزینه خوبی را در نظر گرفتیم که شامل تصویب یک حقوق حداقلی برای این افراد است که ماهانه به حساب آنان واریز شود. کمک هزینه توانمندی‌سازی هم پرداخت می‌شود. در نهایت هم امکان به‌کارگیری و اشتغال در بخش‌های تحقیقاتی و دانشگاهی به عنوان محقق و عضو هیأت علمی فراهم می‌شود. برنامه دیگری که داریم ایجاد برنامه‌های خاص توانمندسازی در حوزه علوم انسانی است. سال‌هاست که چندین برنامه توانمندسازی در حوزه علوم انسانی توسط عزیزان و استادان این حوزه برگزار می‌شود و ما به کمک این دوره‌ها می‌رویم. در این دوره‌ها، دانشجویان با استعداد مشمول آموزش خاص توانمندسازی در حوزه علوم انسانی می‌شوند. بحث‌های دیگری هم مثل دوره‌های کمک به ایجاد «مدرسه حکمرانی» در کشور است که افراد مستعد برتر حوزه علوم انسانی آموزش ببینند و در زمینه حکمرانی فعالیت کنند و در دستگاه‌های مختلف به‌کار گرفته شوند.

جشنواره فارابی به عنوان معتبرترین جشنواره علمی کشور در حوزه علوم انسانی سال‌هاست که در حال برگزاری است. چه راهبردهایی برای همگرایی و حمایت از چنین جشنواره‌هایی دارید تا در نهایت بتوانیم نظریات بومی در حوزه علوم انسانی معطوف به مشکلات کشور و یا پیشرفت کشور تولید شود؟

یکی از راه‌های شناسایی سرآمدان و نخبگان برای بنیاد، استفاده از جشنواره‌های معتبری است که در

کشور برگزار می‌شود. سال‌هاست جشنواره فارابی را به عنوان جشنواره معتبر حوزه علوم انسانی شناخته‌ایم و مساعدت‌های مختلفی را انجام می‌دهیم و برگزیدگان جشنواره فارابی را به عنوان سرآمد انتخاب می‌کنیم. اکنون هم همکاری دوره‌های پسادکتری به این برگزیدگان اعطا می‌شود و در حوزه‌های مختلف می‌توانیم برای آنان برنامه‌هایی را تعریف کنیم. به اعتقاد من جشنواره بایستی به فکر ایجاد جریان علمی علوم انسانی در کشور باشد. اکنون توجه کمی از سوی نخبگان به حوزه علوم انسانی داریم. حرکت ما و بنیاد نخبگان کمک به جریان‌سازی و کمک به برگزیدگان نخبه است. در واقع با این کار جریان‌سازی در جشنواره فارابی تقویت می‌شود و افراد بیشتری علاقه نشان می‌دهند.

در زمینه علوم انسانی بنیاد ملی نخبگان به کمک افراد با استعداد می‌آید و از برنامه‌های مشترک تحقیقاتی در پسادکتری‌های مختلف و سایر قالب‌ها حمایت می‌کند. تعدادی از برگزیدگان جشنواره فارابی، دوره‌های مربوط به عضویت در هیأت علمی را در بنیاد ملی نخبگان طی می‌کنند و می‌توانند جذب دانشگاه‌های کشور شوند. این موارد کمک‌هایی است که ما می‌توانیم انجام دهیم و جشنواره هم با ارتقای کیفیت و گستردگی کار خود می‌تواند جریان‌سازی کند.

تجربیات جهانی در کشورهای مختلف در حمایت از نخبگان حوزه علوم انسانی چگونه است و چه روش‌ها و راهبردهایی در کشورهای پیشرو در این زمینه برای حمایت از نخبگان حوزه علوم انسانی و تقویت این حوزه علمی در پیش گرفته شده است؟

حوزه علوم انسانی را در یک تقسیم‌بندی باید به دو قسمت حوزه «علوم انسانی محض» و «علوم انسانی کاربردی» تقسیم کرد. کشور برای هر دو حوزه باید برنامه داشته باشد. در حوزه علوم انسانی کاربردی استفاده از سازکارهای معاونت علمی و فناوری و دانش‌بنیان ریاست جمهوری کارساز است. ایجاد شرکت‌های خلاق و دانش‌های علوم انسانی در حوزه کاربردی می‌تواند منجر به ثمربخشی این حوزه‌ها و نخبگان در کشور شود.

قاعداً حوزه حکمرانی، مدیریت و حقوق به عرصه بازار نزدیک است و می‌توان این رشته‌ها را جزو علوم انسانی کاربردی دانست که باعث حل مشکلات حال حاضر می‌شود. معاونت علمی ریاست جمهوری تا حدودی قالب همکاری را فراهم کرده و ستاد تخصصی در معاونت علمی ایجاد شده است. اگر نخبه‌های این حوزه‌ها شناسایی شوند و حمایت اولیه انجام شود، ادامه مسیر را در معاونت علمی ریاست جمهوری طی می‌کنند و می‌توانند کار خود را به عنوان یک اندیشکده یا شرکت در چهارچوب حقوقی مشخص شروع کنند و حل مسائل کاربردی علوم انسانی را انجام دهند.

قسمت دوم مربوط به «علوم انسانی محض» است. به نظر می‌رسد در این حوزه در بخش تعریف و اجرا مشکلاتی وجود دارد.

«علوم انسانی محض» کار پیچیده‌ای است که اکنون کاربرد مشخصی ندارد و باید برای سال‌های بعد برای آن کار شود و از نظریات آنان در کرسی‌های نظریه‌پردازی در ساحت‌های مختلف فکری استفاده

کرد. عمدتاً نخبه‌های این حوزه تا زمان ایجاد زمینه برای فعالیت به عنوان پژوهشگر، مطالعات خود را ادامه می‌دهند یا به عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاه تحقیقات خود را انجام می‌دهند. ایجاد پژوهش‌کننده‌های علوم انسانی بنیادی که عمدتاً ناظر به مسائل جاری کشور نیستند، بلکه روی مسائل بنیادین کشور در آینده کار می‌کنند، از جمله مواردی است که می‌توان در حوزه علوم انسانی محض انجام داد. همان کاری که در حوزه‌های پایه یا علوم مهندسی انجام می‌شود.

همچنان این ذهنیت در کشور ما وجود دارد که افراد باهوش و مستعد باید وارد رشته‌های مهندسی شوند و وارد شدن به رشته‌های علوم انسانی اشتباه است. البته تا حد زیادی این انگاره اصلاح شده است. اما برای اصلاح این نگاه و حضور بیشتر افراد مستعد در رشته‌های علوم انسانی چه تمهیداتی می‌توان در کشور اندیشید؟

این انگاره یا فرهنگ ناشی از واقعیت‌های اجتماعی است و نباید آن را کتمان کنیم. باید دانش‌آموزان مستعد را از همان دوره دانش‌آموزی یا متوسطه دوم به سمت علوم انسانی سوق دهیم و جذابیت لازم را برای آنان ایجاد کنیم. اگر طرح اولیه‌ای که توضیح دادم موفق باشد و بتوانیم دانشجویان را در رشته‌های مبنایی خود در علوم انسانی حفظ کنیم و از سوی دیگر رتبه‌های برتر کنکور را در حوزه علوم انسانی یا نفرت برتر المپیادهای ادبی به سمت تحصیل در رشته‌های مادر در علوم انسانی برون، اقدام تأثیرگذاری کرده‌ایم. به اعتقاد من، اگر رویه و فرایند را اصلاح کنیم و انگاره‌ها در ذهن مردم اصلاح شود، می‌توانیم کمبودها در علوم انسانی را برطرف کنیم. در حال حاضر، اکثر شغل‌ها به سمت حوزه فنی و مهندسی رفته و دانشجویان هم به این سمت می‌روند. البته الان علوم تجربی به غلط پررنگ شده و ملاحظه می‌کنید که علاقه به حوزه فنی و مهندسی هم کم‌رنگ شده و اغلب داوطلبان در حوزه تجربی زورآزمایی می‌کنند.

برای اینکه فضای روشن به‌کارگیری نخبگان و اشتغال در سایر حوزه‌های علوم انسانی فراهم شود، می‌توانیم فرایند اصلاح انگاره‌ها را طی کنیم. نمی‌گوییم یک شبه امکان‌پذیر است اما می‌توانیم این روند را اصلاح کنیم.

بنیاد ملی نخبگان چه نقشی در رونق و شکل‌گیری کرسی‌های نظریه‌پردازی و تبدیل پژوهش‌های حوزه علوم انسانی به نظریات کاربردی و مورد استفاده در جامعه و عملیاتی کردن پژوهش‌های این حوزه می‌تواند ایفا کند. شما در حال حاضر اصلی‌ترین مشکل کشور در حوزه علوم انسانی را چه موردی می‌دانید که باعث شده چندان این حوزه رضایت‌بخش نباشد؟

نهادهای خاصی برای این منظور داریم. با کرسی نظریه‌پردازی شورای عالی انقلاب فرهنگی تفاهنامه‌ای در حوزه پسادکتری علوم انسانی تعریف کردیم تا نخبگان در رشته‌های خاص علوم انسانی تحقیق خود را شروع کنند و به عنوان استادیار پایه یک دانشگاه حقوق دریافت نمایند. اما باید کارکرد نهایی را در جاهایی که کشور به این مطالعات نیاز دارند، طراحی کنند. ما به عنوان بنیاد نخبگان وظیفه هدایت و توانمندسازی داریم و دانشگاه جایگاه نهایی را فراهم می‌کند.

«نخبگی» نقطه پایان یک فرایند است. افراد در ابتدا «استعداد برتر» هستند و در ادامه به «سرآمدی» می‌رسند و در انتهای فرایند می‌توانیم به آنان «نخبه» بگوییم. اگر می‌گوییم نخبگان علوم انسانی، منظورمان کل یک فرایند است که استعدادها برتر و سرآمدهای این حوزه از مسیر تا قله را که همان «نخبگی» است، طی می‌کنند. اکنون تعداد نخبه‌های علوم انسانی کم هستند و باید افراد مستعد و سرآمدهای حوزه را از متوسطه دوم شناسایی کنیم و به سمت حوزه علوم انسانی سوق دهیم



برش

با کرسی نظریه‌پردازی شورای عالی انقلاب فرهنگی تفاهنامه‌ای در حوزه پسادکتری علوم انسانی تعریف کردیم تا نخبگان در رشته‌های خاص علوم انسانی تحقیق خود را شروع کنند و به عنوان استادیار پایه یک دانشگاه حقوق دریافت نمایند



یکی از مهمترین

محورهایی که در

آن نیازمند نخبه

هستیم، در بخش

«حکمرانی» و

«مدیریتی» است.

این مطلب مورد

توجه مقام معظم

رهبری هم بوده و

در سخنرانی‌های

متعدد به این حوزه

اشاره کردند. تعریف

یک نخبه در حوزه

مدیریت این است

که از استعداد اولیه

خوبی برخوردار

باشد و در این

راستا تلاش کند

و در حوزه‌های

مختلف تجربه

به‌دست آورده باشد

و راه حل خوبی

برای اداره اجتماع

ارائه دهد. چنین

نخبه‌ای می‌تواند

در حوزه صنعت،

فرهنگ، هنر و

مسائل اقتصادی و

اجتماعی فعالیت

کند. ما در این

حوزه‌ها نیازمند

مدیران نخبه

هستیم